

مروری بر تذکرة المعاصرین حزین

محمد قهرمان*

چکیده

تا سال ۱۳۷۵ چاپ منقّحی از تذکرة المعاصرین حزین در دست نبود. در این سال، به مناسبت برپایی کنگره بزرگداشت شاعر، چند اثر او تصحیح شد و به طبع رسید. از جمله آنها تذکرة حزین بود که با تصحیح و تعلیقات خانم معصومه سالک و زیر نظر دفتر نشر میراث مکتوب انتشار یافت. متأسفانه طبع اخیر هم به علت وفور اغلاط - به خصوص در اشعار - دست کمی از چاپ کتابفروشی تأیید اصفهان ندارد.

این کتاب در همان سال انتشار به دستم رسید. آن را با علاقه در مطالعه گرفتم، اگر چه هر چه پیشتر رفتم دلسردتر شدم، مع هذا اشتباهاتش را در حدّ توان به اصلاح آوردم و در حواشی یادداشت کردم. پس از مطالعه این نوشته با بنده هم عقیده خواهید شد که تذکرة حزین باید بار دیگر پیراسته تر - و حداقل کم غلط تر - به چاپ برسد.

کلیدواژه: تذکرة المعاصرین حزین، اغلاط، خطا، صواب.

ابتدا به کلیّات می پردازم تا بعد به جزئیات و سپس اغلاط برسم. خانم سالک برای تصحیح تذکرة از دو نسخه موزه ملی پاکستان با نشانه (پ) و نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با نشانه (ت) استفاده کرده اند. پ و ت به سبب تشابه صوری، یا اندکی مسامحه، می توانند در چاپ بدل به هم شوند. بهتر بود نسخه کتابخانه مرکزی را مثلاً با نشانه (م) مشخص می کردند و نیز حق بود طبق معمول در

E-mail: moghareman@yahoo.com

*. محقق و پژوهشگر متون ادبی.

حواشی، نشانه هر دو نسخه ذکر می‌شد. گرچه گفته‌اند آنچه در حاشیه به عنوان نسخه بدل آمده، منقول از نسخه (پ) است، اما این وضع، گاه خواننده را سرگردان می‌کند. به این نکته هم باید اشاره کرد که ایشان ابیات اضافی نسخه پ را به حاشیه برده‌اند، باید آنها را داخل متن می‌کردند و در حاشیه توضیح لازم را می‌دادند. معمول آن است که مصحح کلمات افزوده از خود را در قلاب می‌گذارد، ولی در اینجا کلمات اصلاح شده از نسخه پ را - که نسخه بدل بوده است - در قلاب گذاشته‌اند. مع هذا چه بسیار در حواشی به مواردی از این دست برمی‌خوریم که منقول از صفحه ۱۴۰ است: قطع پیوند ز زلف تو محال است [محال]^۵ و در حاشیه چنین آمده: ۵ - محال است محال. در نسخه ت، "محال است مرا" ذکر شده است.

بگذریم که "محال است مرا" شاعرانه‌تر و فصیح‌تر است، ولی اگر ایشان نشانه نسخه‌ها را در حاشیه آورده بودند، می‌توانستند به سادگی بنویسند: ت: محال است مرا، و یا از آن هم خلاصه‌تر: مرا. و حواشی پر از این گونه دراز نویسی‌هاست. یک مثال دیگر، در حاشیه صفحه ۱۳۴ می‌خوانیم: «به مصاحبت صدقا و افاده معارف سپری ساخت.» جمله‌ای این چنین مفصل که به تمامی آمده است، تنها یک "به" کم داشته. یعنی در نسخه ت چنین بوده: به افاده.

خانم سالک به تذکره حزین چاپ کتابفروشی تأیید اصفهان مراجعه‌ای نداشته‌اند، حال آنکه این طبع در عین مغلوط بودن، می‌تواند گاه راهگشا باشد. به عنوان مثال، در چاپ ایشان ذیل احوالات نجیب کاشانی از زبان حزین می‌خوانیم که در زمان بیماری «چند دفعه باراقم ملاقاتی شد» در صورتی که در چاپ اصفهان مُلاقی آمده و همان درست است.

در صفحات ۱-۲۴ مصحح ضبط متن و برخی از اشعار دو نسخه را با هم سنجیده و وجه درست را نشان داده‌اند، اما دانسته نیست چرا برخلاف نظر خودشان که قرار بوده است فقط مواضع اصلاح شده از نسخه پ را در قلاب بگذارند، به چنین مواردی برمی‌خوریم:

در حسن صورت و مهارت... پس از تصحیح از نسخه پ این گونه شده: [در حسن صوت] و...

در پایان صفحه ۲۱، به ضبط درست نسخه ت اعتنا نکرده و با استفاده از نسخه پ دست به تصحیح زده‌اند. بیت این بوده است:

کشیدم محنت از جانان و دیدم سرگرانی هم
وفا نگذاشت کز کویش برانم، ناتوانی هم

و به این صورت در آمده:

وفا نگذاشت [از کوی تو رفتن] ناتوانی هم

بر هر که اندک ذوقی داشته باشد پوشیده نیست که با وجود کلمه "جانان" در مصراع اول، "تو" در مصراع بعدی نامناسب و بی‌جاست. خوشبختانه در متن کتاب، ضبط نسخه ت آمده است. ضمناً باید اشاره کرد که "برانم" غلط است و تحریف "برآیم" بوده. در سطر ۱۱ صفحه ۲۲، "اشراف" غلط و "اشرف" صحیح است.

آخرین مورد را بگویم و از این بحث در گذرم. در همان صفحه ۲۲ این بیت از میرزا محسن تأثیر آمده است:

گره به کار نیفتد گشاده رویان را ندیده قفل کسی پیره بیابان را
در نسخه پ به جای "پره"، "بزه" بوده است و مصحح محترم همین وجه را گرفته و بیت را از معنی انداخته‌اند. شاید اصطلاح عامیانه "بر بیابون" ایشان را به اشتباه انداخته. "پره بیابان" به معنی "دامن بیابان" است و شاعر به ایهام، به پره که جناح آهنین قفل است نیز توجه دارد. این را هم نگفته نگذارم که گاه ضبط حاشیه بر متن مرجح است.

خانم سالک خواسته‌اند یک رونویس کننده متعهد و پایبند به متن بمانند، تنها گاهی چند کلمه از نسخه بدل را به متن برده یا از متن به حاشیه انتقال داده‌اند. ما هیچ گونه اصلاح و اظهار نظری از خود ایشان نمی‌بینیم. پس این متن در حقیقت یک رونویسی ساده است با اغلاطی که بیش و کم به آن اضافه شده. بر این کار نمی‌توان واقعاً نام تصحیح گذاشت.

ایشان در دو سه مورد در حاشیه نوشته‌اند که بیت از نظر وزن و معنی در هر دو نسخه معشوش است، و اتفاقاً چنین نیست. علت آن وجود یک اشتباه جزئی کتابتی و یا اصولاً غلط خوانی بوده است.

در خاتمه باید افزود که مصحح «به» را به دو صورت متفاوت نوشته‌اند، یعنی گاه جدا از کلمه و گاه متصل به آن.

و اما آنچه به چاپ مربوط می‌شود: اولاً در گذاشتن همزه بسیار امساک شده است و این گونه کلمات به وفور به چشم می‌آید: نقاوه سعادت‌مندان، حلیه نور... ثانیاً تشدیدها نیز گاهی نابجا نشسته است، بخصوص در مورد ملا و علامی که همه جا به صورت ملا و علامی در آمده. (۱)

اغلاط مقدمه کتاب

صفحه / سطر	خطا	صواب
۱۶/۹ (فهرست کتاب)	مرحوم میرنجات	در فهرست، ذکر مرحوم، بی معناست.
۶/۱۴	تصوّر کرده	ظ: تصوّر کرد
۲۰/۲۴	خود غلط، معنی غلط...	صورت صحیح را در جای خود در اغلاط متن خواهم آورد.
۱۶/۳۳	ایهام	ایهام
۲۰/۳۳	هر مرغی را	را زاید است
۱۹-۱۷/۳۸	نشاء	در هر دو مورد باید به: نشأه اصلاح شود.
۴/۴۲	گانپور	گانپور
۳/۴۳	شیخ خلیل...	ظ: شیخ جلیل...
۱۰/۵۰	زن و فرزند و دوستان	زن و فرزند دوستان (حزین خود زن و فرزند داشته است)
۱۸/۵۱	طهماسب قلی خان	شاه طهماسب دوم درست است. طهماسب قلی خان، لقب نادر بوده، قبل از جلوس به تخت سلطنت.
۱۸/۶۰	فایده چنان	ظ: فایده چندان
۱/۶۲	امشب صدای تیشه...	این بیت از حزین نیست و از خوشگوست. مصحح به نظر آقای دکتر شفعی کدکنی که خود در حاشیه آورده، توجهی نکرده است.

نقد و بررسی / مروری بر تذکره‌المعاصرين حزين

۱. اگر این تذکره با اعمال اصلاحات بنده تجدید چاپ شد، می‌توان بر پشت جلد و صفحه عنوان آن نوشت:

مقدمه، تصحیح و تعلیقات

معصومه سالک

همراه بازنگاری محمد قهرمان

صفحه / سطر	خطا	صواب
۱۱/۶۴	از ابدیت	از بدایت
۲۱-۱۹-۲/۶۶	گانپور	کانپور
۱۷/۷۴	به اسب اشهب وادهم روز	ظ: ... [شب و] روز
۸/۷۸	باستان نامه‌ها	باستان ...
۱۲/۷۸	باچگذار	باچگزار
۱۶/۷۹	کشید در	کشیده در
۱۳/۸۱	مبلغ لک دام جید (جید)؟! گرفت.	در نیافتم که علائم! و؟ برای چیست. دام، یک چهلم رویه بوده است.
۱۴/۸۲	گوی از میدان گلستان (؟) می ریاید	جمله نامفهوم است.
۱۹/۸۳	کهنه و من	کهنه دمن
۲/۸۷	ظلمت و نور، عدم	ظلمت و نور [و] عدم
۳/۸۸	فاتحه	فایحه (= خوشبو اصلاح از چاپ اصفهان)
۴/۸۸	غبار احمدی	غبار عتبه احمدی (مانند حاشیه)
۷/۸۸	شان	شان (قرینه آن، مکان است)
۹/۸۸	تنک عرصه‌تر	تنگ ...
۱۰/۸۸	وجه همت	وجهه همت
۱۰/۹۰	منتسبان	منتسبان (به قرینه مترشمان و متشبهان)
۱۶/۹۰	به حدی	به جدی
۱۱/۹۲	خود غلط، معنی ...	این مصراع از طغرای مشهدی است و صورت صحیح آن - با پیش مصرع - چنین است: ترسم از حرف غلط کاری، شود در نامه‌ام خط غلط، انشما غلط، املا غلط
۲۰/۹۲	پستی پایه	پستی پایه
۱۱/۹۳	خود در	خود [و] در
۱۳/۹۳	عدد	عدد [و]
۱۶/۹۳	انخراط	ظ: [به] انخراط
۱۷/۹۳	می گرداند.	نمی گرداند، (و سطر بعد در دنباله آن بیاید)
۱۹/۹۳	بود دلیل	بود و دلیل (مطابق چاپ اصفهان)
۷/۹۴	نمانند.	نمانند، (و جمله بعد باید به دنبال آن بیاید)
۱۳/۹۴	نگردد.	نگردد، (و جمله بعدی باید در پی آن بیاید)
۳/۹۵	سبکی دارد	سبکی دارد
۵/۹۵	چون در	(باید سر سطر بیاید، دنباله جمله قبلی است)
۹/۹۵	هنگام تسوید مسوده، شعر	هنگام تسوید، مسوده شعر

اغلاط متن کتاب

صواب	خطا	صفحه / سطر
روضه رضوان (مطابق چاپ اصفهان)	روضه خوان رضوان	۱/۱۰۳
تا آنکه	با آنکه	۸/۱۰۳
شاید: نخل طرب	نخل طلب	۳/۱۰۴
توفان زده‌ای	توفان زده	۵/۱۰۴
شان سخن (به الفاظ سلطان و جان هم توجه کنند)	شان سخن	۵/۱۰۵
غیر ذلک. از	غیر ذلک از	۱۲/۱۰۶
می‌پیچد	می‌پیچید	۱۱/۱۱۱
مثنویات [کرده]	مثنویات	۲/۱۱۲
انشاء شعر	انشاء و شعر	۹/۱۱۲
شاید: زخانه	به خانه	۲/۱۱۳
زین واقعه نیز تواند بود	این واقعه	۱۷/۱۱۴
زالال چشمه انفس (ضبط حاشیه مرجح است)	زالال انفس	۹/۱۱۶
بی سواد دبستان	بی سواد و دبستان	۱۱۶ / آخر
با والد این (والدین در اینجا خالی از رکاکت و قباحات نیست. حتماً غلط کاتبان بوده است)	با والدین	۱۳/۱۱۸
دریوی	وزیوی	۷/۱۱۹
فرموده	فرمود	۶/۱۲۰
زاید است	منه	۱۷/۱۲۲
زاید است (هر سه بیت از یک غزل است)	وله	۱۹/۱۲۲
سراییم (بیت از مولانا صائب است و حزین به اشتباه آن را به این شاعر نسبت داده)	سراییم	۲۰ / ۱۲۲
انشاء (یا: انشای شعر)	انشاء شعر	۱۲۳ / آخر
زاید	وله	۱۳/۱۲۴
شمع هر	شمع و هر	۱۴/۱۲۷
نمی‌زنم	نمی‌زنم	۱۴/۱۲۷
قبا می‌داشتم	قبای می‌داشتم	آخر / ۱۲۷
رشیقہ دارد (با استفاده از حاشیه که شیفه دارد ضبط کرده است)	رشیقہ	آخر / ۱۲۸
برافشانی	برافشانی	۱/۱۲۹
زاید است	وله	۹/۱۲۹

صواب	خطا	صفحه / سطر
فرعون	فرعون	۲/۱۳۰
ظ:حذاقتش (با توجه به چاپ اصفهان که حذفش است)	خدمتش	۶/۱۳۰
ظ: سانحه قتل...	سانحه و قتل عام	۱۱/۱۳۰
درین راه	در این راه	۲/۱۳۱
ظ: مقال	مقاله	۶/۱۳۲
ظ: قسمتی	قیمتی	۸/۱۳۲
برآمد	برآید	۱۸/۱۳۲
در باغ	در باغی	۶/۱۳۳
روانی است (رقص روانی نوعی رقص بوده است و در اشعار شعرای آن دوره، از جمله صائب نیز آمده است) دو بیت متن به صورت زیر از نجیب کاشانی است:	روان است	۹/۱۳۳
بی هم‌رهی یسار تو از خویش نرفتیم از کسوی تو هرگز قدمی پیش نرفتیم در بحر غمت همچو حباب از دل بی تاب آهی نکشیدیم که از خویش نرفتیم (و اگر میرزا باقر مقدم بوده، نجیب از او گرفته است. خدا بهتر می‌داند.)	کوزانه بی مصلحت اندیش نرفتم...	۱۴/۱۳۳
عالمی دیگر (و یا در مصراع دوم، آدم دیگر بوده است)	عالم دیگر	۶/۱۳۴
بلده خرم آباد (حاشیه صحیح است)	بلده به خرم آباد	۳/۱۳۶
وز تماشای	در تماشای	آخر/۱۳۶
نمی‌دانند	نمی‌دانید	۱/۱۳۷
رنجه کرد آن	رنجه گردان	۵/۱۳۷
مرز و بوم	مرز بوم	۱۳/۱۳۸
اقامت فقیران (حاشیه صحیح است)	اقامت با فقیر آن	۲/۱۳۹
قحط	ق حط	۱۲/۱۳۹
(به سبب قسالت سواد این شاهان را نمی‌شناسم. در تعلیقات نیز توضیح ندیدم)	سلاطین اسحاقیه گیلان	آخر/۱۳۹
به غایت نمکین	به غایت تمکین	۲/۱۴۰
رفته	رفت	۳/۱۴۰
داشت [و]	داشت	۳/۱۴۰
در اصلاح (مطابق نسخه بدل)	براصلاح	۶/۱۴۰

صواب	خطا	صفحه / سطر
ظ: ثبت نمود	ثبت نموده	۸/۱۴۰
است مرا (نسخهٔ اساس بهتر است)	است (محال)	۱۲/۱۴۰
شاید: گر مرد	ای مرد	۱۶/۱۴۰
تسنیم	نسیم	۹/۱۴۱
شاید چنین بوده: تابخوانی از بر و ن حال... ولی سفینه لطایف الخیال چنین ضبط کرده... تابخوانی از رخم حال... چون حزین اشعار را از حافظه نقل می‌کرده، به اشتباه افتاده است. این دو بیت از مولانا صائب است. به شمع و پس از این بیت، باید "وله" بیاید خانه‌ها شان جدوار	تابخوانی از درون حال درون... ره مده در خط...	۸/۱۴۳ ۳-۲/۱۴۴
	نه شمع	۳/۱۴۵
	خانهها	۴/۱۴۶
	شان	۹/۱۴۶
	جن وار	۱۴/۱۴۷
خلف زاید است. در چاپ اصفهان هم نیامده. یعنی: میرزا مهدی، مستوفی موقوفات میرزا محمد شفیع... شاید در اصل، به جای غم کلمه‌ای دیگر بوده است. مثلاً: او را چه... عالی‌شان آوارگی. نسخه بدل صحیح است، تیر، آواره می‌شود. ولی بیچاره نمی‌شود! ظاهراً کلمه‌ای دیگر بوده سازند	...مستوفی (خلف) غم را چه... عالی‌شان بیچارگی می‌توانست	۱۵/۱۴۷ ۸/۱۴۸ ۱۷/۱۴۸ ۶/۱۴۹ ۱۴/۱۴۹
ظ: دم‌سردی	سازید	۱۴۹/آخر (حاشیه)
نازک خیال	دل‌سردی	۱۲/۱۵۰
میرزا ابوالحسن تمناً (تمناً از چاپ اصفهان افزوده شد. در بیت ششم هم تخلّص خود را آورده است) به یادند (به یاد اند) معنای مناسبی از مصراع حاصل نمی‌شود. مصراع دوم از وحید قزوینی است. ظ: برآیم، بعد از این بیت باید "وله" بیاید ظ: مولانا چنین‌گر	میرزا ابوالحسن میرزا ابوالحسن بیاداند بروگر دیده(?) برانم مولانای چنین‌گر	۱۰/۱۵۲ ۱/۱۵۳ ۴/۱۵۳ ۹/۱۵۴ ۱۳/۱۵۴ ۲/۱۵۵ ۱۱/۱۵۵

صفحه / سطر	خطا	صواب
۱۲/۱۵۶	دستار و فراغت	ظ: دستار فراغت،
۲/۱۵۷	کف رنگین	کف زنگی
۱۸/۱۵۸	سحرگه	سحرکه (مانند نسخه بدل)
۱۲/۱۵۹	شعله باد	شاید: شعله یاد
۲/۱۶۰	از سایه	در سایه
۶/۱۶۱	تو و غم‌های	تو عدم‌های
۱۵/۱۶۲	شعرا بود	شعرا بود و (مانند نسخه بدل)
۲/۱۶۳	عظمای نیشابوری	عظیمای نیشابوری (مانند نسخه بدل)
۱/۱۶۴	محرمان	[از] محرمان
۱۱/۱۶۴	سفید آب	سفیداب
۱۲/۱۶۴	سیکساران	ظ: سیکساران (چون سیکسار به معنی بی وقار و خوار و سیکسر است)
۱۳/۱۶۶		وله زاید است
۱۴/۱۶۶	محفلی کردم	محفلی کردم
۱۴/۱۶۶	صف مژگان...	ضبط نسخه بدل بهتر است و نیز چنین است در دیوان شاعر، و اما در دیوان نسخه بدلی آمده است که مصراع درست‌تر می‌شود:
		صف مژگان برگردیده هر طرف کلاه آنجا
		ردیف سه بیت بعدی هم از اینجا باید به آنجا اصلاح شود و بهترین دلیل مقطع غزل است: گواهی اعضا در آنجا (= قیامت)
۱/۱۶۷	پاک دانا نیست	پاکدامانی است
۲/۱۶۷	به صد حسرت..	به صد حسرت ز کویش بازگشتم لیکن از حیرت (نسخه بدل صحیح است)
۸/۱۶۷	پاک از	پاک از
۱۱/۱۶۷	با خط	تا خط (نسخه بدل صحیح است و مصراع هم از نظر وزن و معنی مغشوش نیست):
		تا خط ساغر رنگ، از خون بط ندارد
		یعنی تا زمانی که خط ساغر من (اشاره به خطوط جام) از شراب بی نصیب است (کلمه رنگ هم ابهام دارد) و به زبان ساده‌تر، یعنی تا زمانی که جامم از شراب خالی است.

صواب	خطا	صفحه / سطر
...مأیوس	خاطر مأنوس	۱۴/۱۶۷
غلط است و صورت صحیح در حاشیه آمده: نمایم در لباس از پیکرت کام‌نظر حاصل (در لباس = پوشیده، پنهانی) در دیوان شاعر: ته نماید. ته نما به همان معنی تن نماست و در آن دوره مصطلح بوده.	نمایم از لباس...	آخر/۱۶۷
زیس از جوش. و در دیوان شاعر: زیس کز جوش... و همین وجه صحیح و بهتر است.	تن نمایند	آخر/۱۶۷
در دیوان: تازه گویی است و تازه رویی نسخه بدل آن گوی	زیس از [خویش]	۱/۱۶۸
محراب می‌گردد (مطابق دیوان شاعر) رسیده بود (ضبط حاشیه)	تازه رویی	۵/۱۶۸
مضمون را از مولانا صائب گرفته است: اگر چه نیک نیم، خاک پای نیکانم عجب که تشنه بمانم، سفالی ریحانم (می‌افزایم که این شاعر به عنوان همشهری‌گری ناخک بسیار به دیوان صائب زده است)	کوی	۹/۱۶۸
نیفتد پژه (۱)	مهتاب می‌گردد	۱۶۸/حاشیه ۳
در دیوان شاعر: ما چون کتاب مهربانانه ز ما آن مه محبوب... (ضبط نسخه بدل)	رسید	۹/۱۶۹
کز آب رفت [و] ندارم	گر چه از نیکان نیم...	۱۳/۱۶۹
از نیش (= نیش) بود (یعنی کودک بود و نیش سوار می‌کرد) این مصراع با اختلاف یک کلمه از مولانا صائب است. یعنی: شاه می‌بخشد به خاصان، جامه پوشیده را من گشتم	نه افتد	۱۵/۱۶۹
خشکه سرمایی (مطابق فیلم دیوان شاعر) لفظ	پژه	۱۵/۱۶۹
به شعر (مطابق حاشیه)	همچون کتاب	۲/۱۷۰
	مهربانانه زمن...	۱۰/۱۷۰
	که زاب	۱۲/۱۷۰
	رفت ندارم	۱/۱۷۱
	از پیش برد	۷/۱۷۱
	شاه می‌بخشد...	۷/۱۷۳
	می‌گشتم	آخر/۱۷۳
	خشک سرمایی	۲/۱۷۴
	لفظ	۶/۱۷۴
	به شعرا	۱۴/۱۷۴

۱. در مقدمه به این بیت اشاره کرده‌ام.

صواب	خطا	صفحه / سطر
ابهام	ابهام	۱۷۴/آخر
سایقان (متن مطابق «ت» که سایقان ضبط کرده)	سایقان	۳/۱۷۵
اگر وفا به تو... (متن مطابق حاشیه، یعنی اگر به وفای تو اعتماد نکرده‌ام)	اگر وفای تو...	۱۶/۱۷۵
ملاقاتی (مطابق چاپ اصفهان)	ملاقاتی	۱۴/۱۷۶
چهره‌ای (= صورتی، گلگون)	چهره	۶/۱۷۷
نفر وخته است کس به ترازو	نفر وختست کس بتر از او	۸/۱۷۷
تدبیرها (به قرینه مصراع دوم، در دیوان شاعر که اخیراً چاپ شده است مطلع فرق دارد، ولی قوافی به همین صورت، تدبیر و شبگیر است).	تعبیرها	۹/۱۷۸
بتخانه سوز [و]	بتخانه سوز	۱۳/۱۷۹
ربط قدیم (مانند حاشیه)	ربط قویم	۴/۱۸۰
با کمال جدّت و طبعی (متن مطابق حاشیه اصلاح شد و در آنجا حدّت است)	با کمال و طبعی	۱۲/۱۸۰
مثنوی	مثنوی	۱۳/۱۸۰
بیت مغلوط نسخه "پ" شاید چنین صورت داشته است: یک کاسه بهتر است شود [اگر که] احتیاج قانع به نان و آبی‌ام و شکر می‌کنم (یک کاسه = سرجمع، یکجا، سرهم)	بیت مغلوط نسخه "پ"	۱۸۰/سطر آخر حاشیه
ظ: اصلش از	اصل از	۸/۱۸۱
خاطر معنی... (مطابق حاشیه، به قرینه حقیقت، معنی بهتر می‌نماید)	خاطر [معانی]...	۱۳/۱۸۱
ظاهراً از اعتقادات عامّه بوده است که برای زود و سه سلامت بسازگشتن مسافر، تسیری از ترکش او می‌دزدیده‌اند.	چون تیر که...	۱۰/۱۸۲
تنگ (والاً مطابق متن می‌شود)	تنگ	۱۸۲/حاشیه ۴
تازه‌ای از (مطابق حاشیه)	تازه از آن	آخر/۱۸۵
سعادت‌مندان است (مطابق حاشیه)	سعادت‌مندان	۱۴/۱۸۶
حالیا	هالیاً	۷/۱۸۷
بال و پر... (مطابق حاشیه)	بال پر...	۸/۱۸۷
مثل [او کسی]	مثل	۱۸۷/حاشیه ۶

صواب	خطا	صفحه / سطر
نسخه‌ای	نسخه	۴/۱۸۹
نقش باشد	نقش ما شد	۳/۱۹۰
ظ:مقال	مقاله	۱۲/۱۹۰
جهان فانی را (مطابق حاشیه)	جهان فانی	۱/۱۹۱
نتوان	بتوان	۶/۱۹۱
می‌کشد پا را	می‌کشد ما را	۷/۱۹۱
ظ: بروی...	برووی...	۱۲/۱۹۱
فوت مدعا	قوت مدعا	آخر/۱۹۱
منت از یک (مطابق چاپ اصفهان)	منت یک	آخر/۱۹۱
بکش (مطابق حاشیه)	مکش	۴/۱۹۲
آن دست	این دست	۴/۱۹۲
شان	شان	۷/۱۹۳
مولانا صائب فرموده:	داغ عشق تو...	۱۵/۱۹۳
داغ عشقش نه چراغی است که خاموش کنند		
نمکی نیست لب او که فراموش کنند		
جناب میرزا سید رضا، با مصراع لؤبیتی ساخته است! واگراشته‌ها		
نکرده‌باشم، شاعری دیگر با ردیف "هرگز" چنین غزلی دارد:		
این چراغی است که خاموش نگردد هرگز		
رنگ چاک (رنگ ریختن = طرح ریختن عمارت و غیر آن)	رنگ خاک	آخر/۱۹۳
طراوتی بود (مانند حاشیه)	طراوتی	۱/۱۹۵
شمه‌ای	شمه	۹/۱۹۵
به ترشیز (مانند حاشیه)	در ترشیز	۱۵/۱۹۵
خرابات است [و]	خرابات است	آخر/۱۹۵
کند. و ضبط حاشیه صحیح است:	کنده	۲/۱۹۶
دیده است ترشویی ارباب سخا را		
دندان طمع، کند از آن رو شده ما را		
به صورتی که در متن آمده است، در اول مصراع دوم، از		
نظر معنی "که" لازم دارد.		
استراق کامل این بیت صائب است:	هر زخم کرد تشنه لب ...	۱/۱۹۷
ساخت هر زخم تو لب تشنه زخم دگرم		
آب تیغ تو هم ای کان ملاح، شور است!		

صواب	خطا	صفحه / سطر
آزردی، ...	از روی افکندی	۴/۱۹۸
یکدست [و]...	یکدست هموار	۸/۱۹۸
شاید:خواستاری	خواستار	۷/۱۹۹
سبکبازی (به قرینه "بار" اصلاح شد، واژه سبکساری = سبکسری در اینجا تناسبی ندارد)	سبکساری	۱۵/۱۹۹
گشت	گشت	۱۷/۱۹۹
ظ: که یار	که یار	۶/۲۰۰
در طلبیت	در طلب	۳/۲۰۱
شاید: شاخ گل، یا: ماه نو	شاخ تو	۵/۲۰۱
عسگری	عسگری	۸/۲۰۱
شاید: جدوارند	جد دارند	۱۶/۲۰۱
عسگری	عسگری	۱۸/۲۰۱
شاید: شکفتگی	شکستگی	۱۶/۲۰۲
امثال [و]	امثال	۴/۲۰۴
شاید چیزی از این دست بوده: شکرستان مصدر در (جنب) بزم بیانش [بی] روشنایی	شکرستان مصر...	۶/۲۰۴
آن چشم (و نیز چنین است در چاپ اصفهان)	این چشم	۱۱/۲۰۴
افکار	افکار	۵/۲۰۵
به پیش	نه پیش	۱۴/۲۰۵
*** لازم دارد	۲۰۶/آغاز صفحه	
ستاره‌ها زاید است		۷/۲۰۶
بر قندگه	بر قندگه	۱۱/۲۰۷
مسلمان	مسلمانان	۹/۲۰۸
به من (مانند چاپ اصفهان) و بیت هم مغشوش نیست.	به می	۱۰/۲۰۹
نداند دیده	ندارد دیده	۴/۲۱۰
...اطوار [و] آرمیده روزگار	...اطوار، آرمیده روزگار	۵/۲۱۲
چرب نرمی...	چرب و نرمی...	۱۲/۲۱۳
نموده.	نمود.	۳/۲۱۴
باید سر سطر بیاید، دنباله سطر قبلی است.	مستقلانه	۴/۲۱۴
به راه تقلید	با هر تقلید	۱۲/۲۱۴
دارد.	دارد.	۱۴/۲۱۴

صواب	خطا	صفحه / سطر
زنو	زنو	۲۱۴/آخر
به حسرت (مانند حاشیه)	به حیرت	۳/۲۱۵
و جوان آراسته [ای] بود (مانند نسخه ت که به حاشیه رفته. در چاپ اصفهان نیز چنین است)	[و چون طبع آراسته بود]	۸/۲۱۵
روی... به ناز تو	روی... نیاز تو	۱۱/۲۱۵
معنای درستی ندارد. شاید بتوان احتمال داد که چیزی از این قبیل بوده: گل از گلش شکفت چو شمع از گداز تو	گل از گلش...	۱/۲۱۶
برهمدان (مانند حاشیه)	همدان	۱۷/۲۱۶
شاید: دم مردان	دم مردن	۳/۲۱۷
سبیه‌خانه (مانند نسخه "ت" سبیه‌خانه از سبیه‌خیمه مصطلح‌تر بوده است)	سبید [خیمه]	۱۰/۲۱۷
لاله داغ است (یعنی لاله آزرده خاطر است که... بر خلاف گل که شاد است چون خود را در گریبان تو ریخته است)	لاله داغی است	۲۱۷/آخر
دایره	دائره	۱/۲۱۸
(چون تخلص شاعر را اعلی نوشته بود. شاید در اینجا هم آنچنان بوده است ولی باید اعلی بر وزن مهدی تلفظ کرد)	عالی	۲/۲۱۸
آید	آمد	۲/۲۱۸
مجموعه‌ای	مجموعه	۵/۲۱۸
[از] خویشاوندان	خویشاوندان	۶/۲۱۸
موله	مولود	۱۱/۲۱۹
حمیده صفات (مانند حاشیه)	حمیده	۱۲/۲۱۹
با توجه به نسخه بدل و با درهم آمیختن این دو ضبط. متنی درست خواهیم داشت: لیکن غیر از این رباعی در خاطر فاطر نبود که نگارد. (از متن کتاب چنین نتیجه می‌گیریم که حزن اشعار دیگری هم از او به یاد داشته ولی از نوشتن خودداری کرده است)	لیکن غیر از این رباعی... نمی‌نگارد.	۱۴/۲۱۹
... فطری [داشت]	آزادگی فطری	۱۱/۲۲۰
بایار (مطابق حاشیه)	بریار	۱۸/۲۲۰
برآمدی و (مطابق حاشیه)	برآمدی	۶/۲۲۱

صواب	خطا	صفحه / سطر
از شیشه دل. حاشیه درست است. والّا از سینه و دل. یکی حشو است. تضاد شیشه و سنگ هم تأییدی بر مدّعاست)	از سینه و دل	۱۷/۲۲۱
خود نیز	خود نیز	۲/۲۲۲
عبّاد	عباد	۱۰/۲۲۲
بار می آید	بار می آید	۱۰/۲۲۴
ساکن شده	ساکن شد.	۱۶/۲۲۴
نشأه...	نشأه تبریزی	۱۲/۲۲۵
قورچی	قورچی	۲/۲۲۷
مطلع [که] از	مطلع از	۶/۲۲۷
جان کن (و نیز چنین است در چاپ اصفهان)	جان آن	۸/۲۲۷
جلوه ای	جلوه ای	۲۲۷/آخر
لیل [و] نهار	لیل نهار	۸/۲۲۸
شاید: افسردگی (و) کلال (و یا: ملال)	افسردگی کمال	۸/۲۲۸
یکصد کس	یکصد کسی	۹/۲۲۸
شاید: مساعدت و یا کلمه ای نظیر آن	مساعدت	۱۱/۲۲۸

تعلیقات

صواب	خطا	صفحه / سطر
لاهور	ماهور	۸/۲۳۰
او [بود] شد	او شد	۱۵/۲۳۰
[مراد، کاغذ ابری است]	ابری	۳/۲۴۴
بیش گیرند	بیش گیرند	۵/۲۴۴
گزیز نیست	گریز نیست	۳/۲۴۸
گو میرد	گو می رود	۴/۲۴۸
درین دشت	درین دست	۶/۲۴۸
عالم زازل	عالم زاید	۹/۲۴۸
	مصحح همه ابیات شاعر را از تذکره نصرآبادی نقل کرده ولی بیت زیر را از قلم انداخته است:	۹/۲۴۸
در سطر بالای آن باید نوشته شود، آغاز:	...کنم آن سرو...	۲۱/۲۵۲
انجام:	آغاز:	۲۲/۲۵۲
ز جسم	ز چشم	۹/۲۵۳
و جز ابیات منقول از نصرآبادی، این بیت خوب شاعر از قلم افتاده است:		
پیونید الفت تو چو تار نظاره است تا چشم می زنی به هم، این رشته پاره است اسیرشان در مصراع بد تلفظ می شود، شاید در اصل، کلمه ای دیگر بوده است	چون اسیرشان شدی...	۸/۲۵۴
بین دو بیت باید ستاره بگذارند		۲-۱/۲۵۵
ظ: ز هوش	ز خویش	۳/۲۵۵
نگر در حریم	نگردد حریم	۴/۲۵۵
آمد فقیه [و]	آمد فقیه	۴/۲۵۵
از تمثال	اوتمثال	۳/۲۵۷
عظیم الشان (به سجع همه دان هم توجه شود)	عظیم الشان	۱۹/۲۵۸
ظ: صرف محاضره	صرف معاصر	۲۱/۲۵۸

صواب	خطا	صفحه / سطر
باید در دنبال سطر قبل بیاید، یعنی: مذاکره نموده در هر کمال..	در هر کمال	۲۲/۲۵۸
اذکیای	اذکیای	۲۳/۲۵۸
گردیده	دیده	آخر/۲۵۸
نقض	نقض	۵/۲۵۹
ظ: به دستور قدیم نموده	دستور قدیم نمود	۵/۲۵۹
عظیم الشان	عظیم الشان	۵/۲۵۹
محارست	ممارست	۸/۲۵۹
این نیز که زنده‌ایم	این تیرکه دیده‌ایم	۴/۲۶۱
[ساروتقی] «اعتماد الدوله»	«اعتماد الدوله»	۲/۲۶۳
سروده‌هایش	سرودهایش	۱۵/۲۶۳
هزاران بیت [والآ از میایون هم بیشتر می‌شود!]	هزاران هزار بیت	۱۶/۲۶۳
سحاب	سراب	۲/۲۶۴
قرین خامه	قرین خانه	۳/۲۶۴
لطفعلی بیگ آذر در آتشکده	لطفعلی بیگ در آتشکده آذر	۱۰/۲۶۴
به زعم	به رعم	۱۲/۲۶۴
کانپور	گانپور	۱۱/۲۶۶
دلی همچون	ولی همچون	۲۱/۲۶۸
اشیا (با گویا قافیه شده است)	اشیاء	۱۱/۲۷۰
میرزا عبداللّه (همچنان که خود حزین نوشته)	میرزا محمد شفیع	۱۹/۲۷۴
میرزا محمد شفیع، پدر بزرگ میرزا داود است		
واله	واله	۲۲/۲۷۴
قول واله داغستانی باطل است، به نوشته مجمل التواریخ، شهریانو بیگم همسر میرزا داود بوده است.	مادر وی شهریانو بیگم	۲۲/۲۷۴
ذره‌ای	ذره	۴/۲۷۵
ذره‌ای	ذره	۶/۲۷۵
شاه سلیمان دوم صفوی. مصحح، میرزا داود را با این شخص عوضی گرفته است. سید محمد فرزند میرزا داود بوده و پس از کور کردن شاه رخ مدت چهل روز با نام شاه سلیمان دوم سلطنت کرده است. سپس خود او را کور کرده‌اند. رک: مسجمل التواریخ، تصحیح عباس اقبال.	شاه سلطان صفوی	۷/۲۷۵

صواب	خطا	صفحه / سطر
از این جمله، معنایی کاملاً متفاوت برمی آید و باید چنین باشد:	ماده تاریخ مرگش را میرزا محسن تأثیر با...	۱۱/۲۷۵
ماده تاریخ مرگ میرزا محسن تأثیر را با...		
به حیرتم که	به حیرتم	۱۶/۲۷۵
قولفهرست نویسنده خطاست.	تخلص وی عشق	۲/۲۷۶
عشق تخلص میرزا عبداللّه، پدر میرزا میرزاداد است.		
بیت سطر سوم هم به این نکته تصریح دارد: زاده عشق، یعنی فرزند عشق (=میرزا عبداللّه) (بعده در حاشیه دیدم که مصحح خود به صلاح این اشتباه دست زده اند)		
آینه	آینه	۳/۲۷۶
از شعر	در شعر	۶/۲۷۸
افتاد به کف*	افتاد ز کف	۱۰/۲۷۸
بردامن	بر دیده	۱۴/۲۷۸
واله	واله	۷/۲۷۹
دایمی ام	دایم	۸/۲۸۰
دلسردی (به قرینه معنی باید دلسردی باشد اگرچه در نصرآبادی هم دلسردی است). البته احتمال غلط چاپی منتفی نیست.	دلسردی	۸/۲۸۱
نیم گام	نیم دام	۲۸۳/حاشیه ۴
پیمانته در خون طپیدن (تپیدن)	پیمانته در خون طپیدن	۳/۲۸۴
تولد: ۱۰۵۶ (ماده تاریخ تولد فطرت، در کاروان هند "افضل اولاد زمانه" آمده که برابر با ۱۰۵۶ است.)	تولد: ۱۰۵۰	۱۲/۲۸۴
جمله را چنین اصلاح می کنم: شاه، دختر شاه نوازخان صفوی را به ازدواج وی در آورد.	شاه وی را (= فطرت را) به ازدواج دختر شاه نوازخان صفوی در آورد!	۲۰-۱۹/۲۸۴
موسوی خان	موسی خان	۳/۲۸۵
کجا شد	کجا شدن	۵/۲۵۸
بالای آن * می خواهد		۲۸۶/آخر
خون مذمت	چون مذمت	۱۳/۲۸۹
تازه ای	تازه	۲۰/۲۸۹

*. به صورت زیر، به نام شاعری دیگر دیده ام:

در دست، سرزلف دلارام گرفتم شب بر سردست آمد و آرام گرفتم

صواب	خطا	صفحه / سطر
تتبع	تبع	۲۸۹/آخر
مشمول است	مشمول	۳/۲۹۱
همه زاید است	همه سروها	۱۰/۲۹۱
در کپ	در گب	۸/۲۹۲
ظ: او کرده	او کرد	۲۱/۲۹۵
شاید: ورنگینی	در نگین	۲۱/۲۹۷
نهج	هنج	۸/۲۹۸
دقت پسند	وقت پسند	۱۱/۲۹۸
گلدسته بند	گلدسته بند	۱۲/۲۹۸
هر چه یابد	هر چه یابد	۱/۲۹۹
(و پس از این بیت، باید ستاره بگذارند) ظ: نمود (و در صفحه ۱۵۶، این مصراع به صورتی دیگر است) بالای بیت باید ستاره بگذارند	نموده	۶/۲۹۹
بالش	مالش	۴/۳۰۰
آینه در ردیف باید به آینه اصلاح شود شراب آینه را	شراب آینه را کرد آب	۶-۵-۴/۳۰۱ ۵/۳۰۱
ظ: کرده آب (این بیت مربوط به غزلی دیگر است و ابیات بالا و پایین ربطی به آن ندارند، باید در میانشان ستاره گذاشت)		۵/۳۰۱
خون فرسود	خود فرسود	۷/۳۰۱
ظ: در شعله	از شعله	۸/۳۰۱
بین دو بیت ستاره بگذارند		۱۱-۱۰/۳۰۱
پر تیر	پر تیز	۱۱/۳۰۱
تنی است	تنی است	۱۲/۳۰۱
ناز	یار	۱/۳۰۲
در صفحه ۲۹۹ به جای آن، تکلم است	تبسم	۱/۳۰۲
افکنده	افکنده	آخر/۳۰۲
سیر چمن	سر چمن	۸/۳۰۴
ابیات اول و سوم مربوط به یک غزل است و دوم و چهارم متعلق به غزلی دیگر، باید از هم جدا شوند و بین آنها ستاره بگذارند.		۴ تا ۱/۳۰۵
قدح نوشی	قدح نوشی	۱۱/۳۰۵
تأثیری	تأثیر	۴/۳۰۷

صواب	خطا	صفحه / سطر
مازندرانی	مازندرانی	۱/۳۰۹
حلیله	جلیله	۳۰۹/آخر حاشیه
نکته رانی (به صنعتی که در قافیه به کار رفته است توجه شود)	نکته دانی	۳/۳۱۰
ظ: می رسانید	رسانید	۹/۳۱۰
شاید: وضعی	وصفی	۳/۳۱۱
نقش شیرین	نفس شیرین	آخر/۳۱۱
نعش کوه کن (در مورد سنگین رفتن تسابوت، شاعری که نامش را از خاطر برده‌ام، گفته است: زهر جا بگذرد تسابوت من، فریاد برخیزد که آه این مرده سنگین می‌رود، پُر آرزو دارد)	نفس کوه کن	آخر/۳۱۱
مرگ ۱۱۳۱ (قبلاً دیدیم که میرزا داود تاریخ فوت او را: آه از تأثیر آه، سروده است)	مرگ ۱۱۲۹	۶/۳۱۷
۹۹۶-۱۰۳۸ (مصحح شاه عباس اول و دوم را با یکدیگر اشتباه کرده است)	۱۰۵۲-۱۰۷۷	۱۰/۳۱۷
۱۰۸۶	۱۰۸۱	۸/۳۱۷
۱۱۳۱ (در بالا، ذیل ۶/۳۱۷ گذشت)	۱۱۲۹	۸/۳۱۹
باید که	آمد که	۲/۳۲۰
قطعه‌ای	قطعه	۱۹/۳۲۱
زبان گزنده	زبان گزیده	۷/۳۲۷
تنگ شکر	تنگ شکر	۶/۳۲۸
بشکند	بشکند	۲/۳۲۹
مرد همواره	مرد همواره	۱۴/۳۳۰
بو برده است	نو برده است	۵/۳۳۲
بین دو بیت ستاره بگذارند		۱۱-۱۰/۳۳۲
وزن مختل است. "مانند دولت آبی" و یا چیزی از این دست بوده است.	می آبی همچو دولت...	۱۱/۳۳۲
یکقلم	یک قلم	۸/۳۳۳
و زاید است	لاله زار و	۱۶/۳۳۳
گلت	کلکت	۱۶/۳۳۳
ظاهر خوانی زاید است و همان خالی بوده که تکرار شده: درانشای نظم، خالی از قدرت و لطفی نبوده.	نظم خوانی خالی از	۲۲/۳۳۵
ولد	والد	۱۱/۳۳۶
حباب	حبات	۵/۳۳۷

صواب	خطا	صفحه / سطر
قصیده‌ای	قصیده	۶/۳۳۸
مناسبت	مناسب	۸/۳۳۸
ابتدای	ابتدا	۹/۳۳۸
دارین	در این	۱۴/۳۳۸
? زاید است	نیست؟	۳/۳۳۹
بعد از بیت باید ستاره بگذارند		۳/۳۴۰
گره یا گرهی (نیز معنای درستی ندارد. شاید در مصراع تحریفی روی داده باشد. به چاپ اخیر دیوان شاعر مراجعه کردم ولی بیت را در آن ندیدم.	گره‌ای	۵/۳۴۰
گویند مشو	گویند مشو	آخر/۳۴۱
و؟ که علامت شک در صحت است و باید در پراکنش گذاشته شود(؟) از آخر مصراع حذف گردد. بیت اشاره به بند آوردن خون با استفاده از تار عنکبوت دارد.		
امروز، امروز [و] نیز تواند بود.	امروز	آخر/۳۴۲
پس از بیت ستاره بگذارند		۵/۳۴۳
می زند	می زند	۶/۳۴۳
گر چنین	کز چنین	۶/۳۴۳
مرا اگر	مرا اگر	۱۴/۳۴۳
هنر فرد	هنر فرد	۱۲/۳۴۵ حاشیه
گزارده‌اند	گزارده‌اند	۱۵/۳۴۵ حاشیه
معنی را از صائب اخذ کرده است:	لب خود را...	۱۵/۳۴۶
می کنی رحم به دلسوختگان ای لب یار		
گر بسدانی که چه مقدار مکیدن داری		
به زهر	به زهر	۲/۳۴۷
گر آن	گران	۴/۳۴۷
می کند (ردیف هر دو بیت نباید به «می کند» اصلاح شود		
این آینه	وین آینه	۸/۳۴۷
بعد از بیت ستاره بگذارند		۱/۳۴۸
زنگ است	رنگ است	۵/۳۴۹
آینه من	آینه من	۵/۳۴۹
ببیند (ردیف، ببیند است)	نبیند	۳/۳۵۰

صواب	خطا	صفحه / سطر
مغنیّه‌ای	مغنیّه	۱۶/۳۵۲
[وعدۀ] پنج هزاری	پنج هزاری	۲۰/۳۵۲
خطایی	خطای	۱/۳۵۳
به بهانه	بهانه	۲/۳۵۳
کیریا	کیریا	۱۵/۳۵۳
ظ:جنس	حسّ	۵/۳۵۴
خامه	خانه	آخر/۳۵۴
زی، (و علامت؟ از آخر بیت برداشته شود ← ۳۴۱/آخر)	زی	۱/۳۵۵
ظ: سخا (= تخلص شاعر)	رضا	۲/۳۵۵
"رباعیهایی است در بی معنی بودن سروده‌های حافظ (!) از او و دیگران" آیا واقعاً چنین مطلبی حقیقت دارد؟		۷-۶/۳۵۶
پس از بیت ستاره بگذارند		۱/۳۵۷
همچو	همچه	۱۳/۳۵۸
بود زمرگ، غم اهل این زمانه...	بود زمرگِ غم اهل دین زمانه...	۱۴/۳۵۸
به کُنج	به گنج	۱۷/۳۵۸
شان...	شانِ خویش	۲۰/۳۵۸
منسویان	منسویان	۲۰/۳۵۹
باتمام	به اتمام	۲۳/۳۵۹
استوار [و]	استوار،	۲۴/۳۵۹
گرفته. تمامی	گرفته تمامی،	۱/۳۶۰
علاقه بندی	علاقه‌بندی	آخر/۳۶۰
احیاناً: بیتی	شعری	۲/۳۶۲
عسکری	عسگری	۶/۳۶۳
شاعر در سال ۱۰۴۴ متولد شده و در آن زمان چند سالی از سلطنت شاهجهان (پسرجهانگیر) گذشته بوده است. پس قول خوشگو اعتباری ندارد. ولی مدح شاه سلطان حسین - گفته هر که باشد - درست است.	در زمان جهانگیر به هند رفت (!)... قصاید بسیار در مدح شاه سلطان حسین صفوی گفته است.	۱۶/۳۶۴
خوشگو	صاحب خوشگو	۶/۳۶۵
و اگر سخت نگیریم: صاحب سفینه خوشگو		

صواب	خطا	صفحه / سطر
چه کند	چکند	۱۲/۳۵۶
...هست	تماشایی نیست	آخر/۳۶۵
	مقدمات دیوار سک... (?)	۸/۳۶۶
نمانده است	نماند است	۱۱/۳۶۷
پس از بیت ستاره زده شود		۱۵/۳۶۷
تذکره نصر آبادی، میرزا...	نصر آبادی، میرزا محمد طاهر...	۳۶۷/حاشیه
چو شود	چه شود	۱/۳۶۸
گشته بود	گشته بود	۷/۳۶۸
جاده، وجود	جاده وجود	۸/۳۶۹
که زاید است	زیرکه	۴/۳۷۱
خاطری را	خاطرم را	۹/۳۷۴
شاید: در دیده افسر را	در دیده افسر	۱۲/۳۷۴
گردید [به]	گردید	۱۶/۳۷۵
گره	گره	۷/۳۷۶
(صائب به این بیت صله نمی‌داده، چون مصراع دوم با اندکی اختلاف از خود اوست:	دایه در رنج...	۸/۳۷۶
کُل به خون غوطه خورد، جز و چو افکار شود		
دایه پرهیز کند، طفل چو بیسمار شود		
ظ: افکند	افکنده	۲/۳۷۷
بال صبا	باد صبا	۳/۳۷۷
غمزه‌اش	غمزه‌ای	۸/۳۷۷
نکشم	بکشم	۱۱/۳۷۷
شست	شصت	۹/۳۷۸
وزن مختل است. به جای چون تو، بساید	هر که در بزم چون تو مژه...	۱۳/۳۷۸
کلمه‌هایی نظیر خیالت، وصالت... باشد		
پریشانی ترا (تورا)	پریشانی مرا	۲/۳۷۹
ظ: شوی	شود	۴/۳۷۹
ساقیا	ساقیان	۱۵/۳۷۹
ظ: که باز آلوده سازندم - به احتمال ضعیف، به	که ما را بوده سازندم	۳/۳۸۰
جای آلوده، می‌تواند آسوده هم باشد.؟ از		
آخر بیت حذف شود.		
تا کی [سراغ] یار	تا کی... یار	۴/۳۸۰
داغم	دانم	۱/۳۸۱

صواب	خطا	صفحه / سطر
ظ: [در] گذشته	گذشته	۱۳/۳۸۳
رد مکن	رو مکن	آخر/۳۸۳
جرگ	جرک	۲/۳۸۴
کاسه چشم	کاسه چشم	۴/۳۸۴
از آرزوی	از آرزویی	۹/۳۸۵
ظ: از آتش	ز آتش	۱۰/۳۸۵
ظ: خوبان چون کباب	خوناب کباب	آخر/۳۸۵
بیداد خوبان	بیداد خوبان	۱/۳۸۶
خط سیاه	خط سیاه	۱۰/۳۸۸
ظ: عتاب مقدسه	عتاب قدس	۱۳/۳۹۰
(با توجه به مندرجات سطر بالا، ذکر منابع زاید است)	منابع	۱۷/۳۹۱
زاید است	منابع	۱/۳۹۲
نشأه	نشاء	۱۱/۳۹۲
نشأه	نشای	۲/۳۹۳
نشأه	نشای	۴/۳۹۴
نشأه - نشأه	نشاء - نشأه	۷/۳۹۴
نشأه - نشأه	نشأه - نشأه	۹/۳۹۴
نشأه، زاد	نشأه زاد	۱۳/۳۹۴
ظ: شود از	شود در	۳/۳۹۵
نشأه	نشأه	۱۳/۳۹۵
عمدا... بر دم	عمداً... بر دم	۱۶/۳۹۶
نشأه... نشأه	نشأه... نشأه	۱۸/۳۹۶
نشأه	نشأه	۱۹/۳۹۶
نشأه... نشأه	نشأه... نشأه	۳-۲/۳۹۷
زاید است	منابع	۲۰/۳۹۷

کتابشناسی تذکره حزین

صواب	خطا	صفحه / سطر
آتشکده، لطفعلی بیگ آذربئیگدلی (در اول ذکر آذر لازم نیست)	آتشکده آذر. لطفعلی بیگ آذربئیگدلی.	۳-۲/۴۱۹
دائرةالمعارف فارسی، غلامحسین مصاحب	دائرةالمعارف مصاحب، غلامحسین مصاحب	۹/۴۲۱
آدمیت دوم زاید است.	(رکن زاده آدمیت) آدمیت.	۱۱/۴۲۱
محمدالمدعو...	محمدالموعد...	۲/۴۲۲
تصحیح عابد رضا بیدار محلّ و تاریخ چاپ داده نشده. شاید رساله دکتری بوده است.	مصحف ابراهیم...	۶/۴۲۳
نام آن «فرهنگ فارسی» است.	فرهنگ فارسی معین. محمد معین	۱۷/۴۲۳
فهرست نسخه‌های خطی فارسی تنها سال چاپ داده شده است و مشخص نیست چه جلدهایی هستند.	۲۳/۴۲۴ و آخر	
دهخدای اولی زاید است.	نعت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا.	۷/۴۲۵
مینودر، یا باب...	مینو دریا باب...	۷/۴۲۶

فهرست مقالات

صواب	خطا	صفحه / سطر
بعد از نام خانوادگی باید ویرگول (،) گذاشته شود و پس از نام کوچک، و این ترتیب را همه جا رعایت نکرده‌اند. مثلاً: تربیت، محمدعلی یک صفحه... به جای: تربیت، محمدعلی: یک صفحه...		۴۲۷
مجموعه منشآت	مجموع منشآت	۴/۴۲۷
وحید دستگردی، حسن. و باید در حرف «او» بیاید.	دستگردی، وحید	آخر/۴۲۷
طاهری شهاب	ایضاً دستگردی، وحید	۱/۴۲۸
نشأة	طاهری، شهاب	۴/۴۲۸
نقطه زاید است. در این صفحه جز در سطر ۶ کیوان (= کیوان)، مجتبی: تا به آخر جلو اسامی کوچک باید گذاشته شود.	نشأة	۴/۴۲۸
	طاهری، شهاب	۵/۴۲۸

دوره جدید سال پنجم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۶ (پیاپی ۳۶، ۳۷)